اصرار بر بیراهه

یادداشت شفاهی

احمدمازنی
رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس دهم

۱. با شناختی که از مقررات حاکم بر صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دارم مسئولیت شبکه نمایش خانگی را بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌دانم. در طول ۴۰ سال گذشته این چنین بوده و این نگاه که سازمان صداوسیما مسئولیت این کار را برعهده بگیرد با هیچ قانونی سازگار نیست.

۲. برخی از نمایندگان مجلس و آنهایی که می‌خواهند مسئولیت این کار بر عهده سازمان صداوسیما باشد از تولیدات شبکه نمایش خانگی راضی نیستند چون این تولیدات با سلیقه آنها همخوانی ندارد. من معتقدم صرفاً جنبه سلیقه مطرح است اما حتی اگر این سلیقه درست باشد ریش و قیچی دست مجلس است. اگر استنباط این است که تولیدات شبکه نمایش خانگی تولیدات مناسبی نیست و اشکالاتی متوجه آن است می‌توان نظارت کرد، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را به کمیسیون فرهنگی مجلس دعوت کرد و اشکالات کار را اعلام و با برگزاری جلسات مشترک در جهت رفع اشکال کوشید.

این که براساس استنباط خودشان به این نتیجه برسند که احیاناً سازمانی در وظیفه‌اش کوتاهی کرده دلیل نمی‌شود که وظایفش را به سازمان دیگری موکول کنند بلکه نظارت می‌کنند تا سازمان مربوطه به وظیفه نظارتی خود بهتر عمل کند. ضمن این که در این سال‌ها سازمان صداوسیما هم عملکرد خوبی نداشته است. اگر نمایندگان مجلس بخصوص کمیسیون فرهنگی مجلس یازدهم بواقع هدفشان نظارت است لازم است نظارت عمیقی روی فعالیت صداوسیما در بخش تولید سریال، بخش سیاسی و مالی داشته باشند. به جای این که اشکالات صداوسیما را برطرف کنند بار نهادی دیگر را بر دوش صداوسیما نگذارند که قوز بالا قوز شود.

۳. در این میان برداشت اشتباهی هم از نظرات رهبر معظم انقلاب صورت گرفته است که مبحث صوت و تصویر فراگیر را در مرقومه‌ای به صداوسیما واگذار کرده‌اند. بر سر این موضوع ۳۰-۴۰ جلسه بحث و گفت‌وگوی کارشناسی در مجلس صورت گرفت و در جلساتی با حضور مدیران صدا و سیما، دولتمردان، مدیران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و صاحبنظران خط مشی اداره نظارت صداوسیما بررسی شد. نظارت در جاهایی مربوط به صداوسیماست که بحث پخش برنامه‌های منظم روتین و زمان‌دار مطرح باشد مثل شبکه‌های تلویزیون جمهوری اسلامی. نظارت در جایی از جمله تولیدات شبکه نمایش خانگی که مسأله زمان و محدوده جغرافیایی مطرح نیست در حیطه اختیارات سازمان صداوسیما نیست.

۴. خوف این را دارم که در این ماجرا هم مسائل سیاسی حاکم باشد. شبیه همان بحثی که در حوزه پیام‌رسان‌ها و فضای مجازی شکل گرفت و اصرار بر این است که مسیرهای دسترسی مردم به اطلاعات را محدود و کنترل کنند و همه از پنجره‌ای که آنها تعریف می‌کنند به دنیا نگاه کنند. اصرار بر واگذاری مسئولیت شبکه نمایش خانگی به صداوسیما قطعاً در تولیدات این شبکه نمایشی تأثیر خواهد گذاشت و مخاطبی که از سریال‌های ترکیه‌ای و شبکه‌های ماهواره‌ای به شبکه نمایش خانگی گرایش پیدا کرده دوباره به سمت همان رسانه باز خواهد گشت. اگر نگران فرهنگ مردم هستید تصمیمی نگیرید که با فشار مضاعف به تعبیر آقای پرویزپرستویی در فیلم «مارمولک» مردم به جای بهشت، سر از جهنم در بیاورند. فشار مضاعف روی سلیقه مردم و این که از یک پنجره به دنیا نگاه کنند به ضرر همه تمام خواهد شد.

۵. این که قبل از تصویب قانون، اختیار نظارت بر شبکه نمایش خانگی از وزارت فرهنگ و ارشاد سلب شود و به اهالی هنر اعلام شود که برای دریافت مجوز به سازمان صداوسیما مراجعه کنند رفتار غیرقانونی است. قبل از وضع قانون وظیفه ذاتی یک وزارتخانه را به نهاد دیگری داده‌اند و حال به‌دنبال اصلاح قانون هستند. من از نمایندگان مجلس درخواست دارم در همین گام اول وظیفه را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگردانند و به این طرح پیشنهادی رأی ندهند. به آقای روحانی هم عرض می‌کنم که آنچه این روزها بر نظارت شبکه نمایش خانگی اعمال می‌شود به نوعی تعرض در قلمرو مسئولیت دولت است. انتظار این است که موضع روشن و شفافی داشته باشند.

محمد طباطبایی‌نژاد در گفت‌وگو با «ایران» از منازعه واگذاری نظارت بر شبکه نمایش خانگی به صدا و سیما می‌گوید

یکی بر سر شاخ و بن می‌برد

سینما

نرگس عاشوری
خبرنگار

شهرزاد

همگناه

آقازاده

نهنگ آبی

شبکه نمایش خانگی که سال‌هاست طبق قانون با نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت می‌کند این روزها محل مجادله است. مدیران سینمایی طبق قانون مسئولیت صدور مجوز محتوا در شبکه نمایش خانگی، اعم از فیزیکی و مجازی را وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌دانند و جامعه سینمایی هم اعتراضش را نسبت به واگذاری این مسئولیت به صداوسیما اعلام کرده اما سازمان صدا وسیما چند وقتی است مصرانه عزمش را جزم کرده تا عهده‌دار مسئولیت شبکه نمایش خانگی شود. در حالی که ۲۶ نماینده مجلس شورای اسلامی طرحی را به رئیس مجلس شورای اسلامی ارائه کرده‌اند تا صدور هر گونه مجوز نظارت بر این حوزه برعهده سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران قرار بگیرد، صدا و سیما هم با پخش گزارش‌هایی در صدد القای این نگاه بر افکار عمومی است که متولیان این شبکه نمایشی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صلاحیت لازم را برای مدیریت و نظارت بر این بخش ندارند. با محمد طباطبایی‌نژاد معاون ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی درباره فضای شکل گرفته در این منازعه و تبعات آن گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

■ تلاش نمایندگان مجلس برای واگذاری مدیریت و نظارت شبکه نمایش خانگی به صدا و سیما با القای این نگاه که این محصولات بدون نظارت کافی در جامعه عرضه می‌شود از کجا می‌آید. پیش از این تذکراتی در این باره به سازمان سینمایی داده شده بود؟

این که با هجمه گسترده‌ای از اعتراضات مواجه باشیم نه! هیچ وقت چنین اتفاقی نیفتاده؛ در چند وقت اخیر اما به دلایلی که خیلی هم بر ما پنهان نیست جوی عجیب علیه نظارت سازمان سینمایی ایجاد شده است؛ از مجموع هزاران دقیقه تولید سریال داخلی و هزاران ساعت مجوز برای آثار داخلی و خارجی جهت عرضه در پلتفرم‌های نمایش ممکن است بر چند دقیقه‌ای هم نقد وجود داشته باشد نقد خوب است به شرط این که جانب انصاف را رعایت کنیم. این که با قرار دادن چندین دیالوگ کنار هم- که برخی از آنها مربوط به محصولات شبکه نمایش خانگی نیست-کلیپی تخریبی ساخته و به‌طور گسترده از تلویزیون پخش شود و معنایی خاص از آن استخراج شود، دور از اخلاق نقد است. اگر جانب انصاف را رعایت کنیم در مجموعه‌ای با این حجم از نظارت بر محتوا قبل از تولید و پس از تولید، حق می‌دهیم که درصد کوچکی هم ضریب خطا وجود داشته باشد. نمی‌خواهم بگویم اشکالاتی وجود ندارد در عین حال اطمینان می‌دهم که خط اصلی و مراقبت‌های لازم رعایت شده است. اگر لازم باشد در حوزه نظارت پیشینی و پسینی مراقبت‌های جدی‌تر صورت بگیرد حتماً این اتفاق می‌افتاد.

■ یکی از ابهامات این است که چرا تولیداتی که در جذب مخاطب موفق بودند و توانستند به‌عنوان رقیب شبکه‌های ماهواره‌ای قد علم کنند به‌جای حمایت، تهدید می‌شوند.

طبق اظهارات اهل فن این شبکه نمایشی خانگی بود که توانست مخاطب سریال‌های هنجارشکن و خانواده‌ستیز شبکه‌های ماهواره‌ای را از پای برنامه‌های مبتذل این شبکه‌ها به پای سریال‌های داخلی بکشاند. این مهم که به مدد تلویزیون اتفاق نیفتاده است. سال ۸۹ که اولین سریال شبکه نمایش خانگی یعنی «قلب یخی» تولید شد وقت خانواده‌های ایرانی به‌طور نگران‌کننده‌ای در اختیار شبکه‌های ماهواره‌ای بود و تلویزیون توان رقابت نداشت؛ در چنین موقعیتی اهل فرهنگ به این نتیجه رسید که در خارج از صداوسیما توان رقابتی‌مان را با شبکه‌های بیگانه بالا ببریم.

■ این سریال‌ها متفاوت از ساخته‌های صدا و سیماست. آیا این تفاوت به مفهوم تخطی از قانون است؟

در جمهوری اسلامی دو گفتمان داریم. یک گفتمان حداکثری که مخاطب با رعایت موازین حداکثری هدف رسانه و تولید محتوا قرار می‌گیرد. تلویزیون این مسئولیت را به عهده دارد که یک وقت هایی موفق است مثل چند ماه قبل که «زیرخاکی»، «نون خ» و «پایتخت» را روی آنتن برد و یک وقت هایی هم ناموفق. لازم است در کنار این گفتمان، گفتمان دیگری که در آن هم تمام موازین شرعی و اسلامی رعایت می‌شود اما مبتنی بر گفتمان عرفی است ایجاد شود؛ با یک مثال منظورم را شفاف‌تر بیان کنم. در صداوسیما نشان دادن ساز مجاز نیست، در حالی که در کشور ما کنسرت برگزار می‌شود و ساز و ادوات موسیقی روی سن قرار می‌گیرد. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داعیه‌دار این گفتمان دوم است که بازهم تأکید می‌کنم مبتنی بر رعایت موازین شرعی و ملی ولی عرفی است. در فیلم‌های ما ادوات موسیقی نمایش داده می‌شود، رعایت حجاب همان حجابی است که عموم مردم جامعه رعایت می‌کنند، البته تلاش ما این بوده که این گفتمان را به سمت رعایت هر چه بهتر ارزش‌های ملی و اسلامی سوق بدهیم، نه این که آنها را تقلیل یا تخفیف بدهیم. اگر جایی از مثلث عشقی صحبت شده در نهایت فیلم به صلاح و رستگاری رسیده است؛ هر جایی امر غیراخلاقی دیده شده، نتیجه و عارضه و جزای امر غیراخلاقی هم بدرستی به تصویر کشیده شده است.

■ صاحبنظران بر این باورند که اساساً ضرورت تنظیم و تقدیم طرح نمایندگان مجلس مبهم است؛ چه نقدیا ایرادی به مقررات موجود نمایش خانگی وجود دارد که خواسته‌اند با چنین طرحی آن را جبران کنند؟

خیلی عجیب است که به واسطه دو سکانس یا بخشی از یک سریال بخواهیم قانونی را نادیده بگیریم یا این که گمان کنیم نیاز به اصلاح دارد. در طرح پیشنهادی نمایندگان محترم مجلس آنقدر تعارض قانونی وجود دارد که عملاً اجرایی نیست. ضمن این که در حوزه توسعه فرهنگی باید به دنبال دوری از انحصار باشیم نه این که به انحصارپناه ببریم. اگر جایی به دقت بیشتر نیاز دارد تلاش کنیم تقویتش کنیم، تحکیم بخشیم و کمک کنیم کار را بهتر انجام بدهد، نه این که قانون را به نفع انحصار تغییر بدهیم و مسئولیت قانونی یک مجموعه را نادیده بگیریم. اگر جایی نیاز به تذکر دارد، متذکر شویم. جانب انصاف را هم رعایت کنیم. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از بدو پیروزی انقلاب مسئولیت نظارت بر کلیه محتواهای سمعی و بصری منتشر شده در فضای جامعه غیر از رسانه ملی را بر عهده داشته است. یک دوره در قالب VHS، دوره‌ای در قالب DVD و این روزها هم در قالب VOD که همان ویدئو کلوپ دیجیتال شده است. جالب این که در همان سال‌ها تلویزیون اگر می‌خواست سریال‌های خودش را در قالب DVD عرضه کند طبق قانون باید از ارشاد مجوز می‌گرفت. سریال‌های تلویزیون با هولوگرام ارشاد و مؤسسه رسانه‌های تصویری اجازه انتشار داشت. دامنه این نظارت البته گسترده‌تر از سریال‌های شبکه نمایش خانگی است. الان بیش از ۷۰۰ مؤسسه و شرکت برای تولید برنامه‌های ویدئویی مستند، آموزشی، ترکیبی و... از وزارت فرهنگ و ارشاد مجوز دارند. حالا می‌گویند مجوزش باید برود دست تلویزیون یعنی مؤسسه از جای دیگری مجوز فعالیت بگیرد و مجوز تولیداتش را به تلویزیون بسپارد؛ خیلی از روزنامه‌ها امروز دیجیتال هستند و بخش‌های تصویری‌شان به‌صورت ویدئو منتشر می‌شود. باید برای روزنامه از ارشاد مجوز بگیرد و برای نسخه تصویری و محتوایی و بصری از تلویزیون؛ برای پادکست‌ها هم همین‌طور. با این طرح به تشتت دامن می‌زنیم در حالی که بر این انسجام در قانون تأکید شده است. قانون به صراحت تعریف کرده تولید و عرضه هر گونه محتوای سینمایی و سمعی و بصری در حوزه اختیارات فرهنگ و ارشاد اسلامی است. صداوسیما برای پخش آثار از سیمای جمهوری اسلامی از این قانون مستثنی است. بدیهی است که تصمیم‌گیری بشدت غلط فضای مشوش و نگران‌کننده‌ای را هم برای مجموعه وزارت ارشاد و هم مجموعه تولیدکنندگان به وجود آورده که تبعات آن خسارت بزرگی را در پی خواهد داشت. این روزها حدود ۲۷ تا ۳۰ سریال نمایش خانگی در مراحل مختلف تولید در حال فعالیت است. با احتساب فعالیت ۵۰ نفر در هر کدام از سریال‌ها، مجموعه حداقل دو هزار نفری از جامعه فرهنگی در حوزه نمایش خانگی و سریال‌سازی فعال است. در شرایط نیمه‌تعطیل تولید و نمایش آثار سینمایی نمایش خانگی مشغله جدی و جریان‌ساز در جامعه سینمایی ایجاد کرده است؛ بیش از دو هزار نفر در حوزه انیمیشن و فیلم کوتاه مشغول فعالیت هستند. این تصمیمات همه آنها را آشفته می‌کند و تولیدات بلاتکلیف می‌مانند.

■ فارغ از موضوع قانونی یک بحث عقلانی هم وجود دارد که از جمله نگرانی‌های تأکید شده در اظهارات اصناف سینمایی است؛ شائبه‌هایی مبنی بر تلاش صدا و سیما برای حذف رقیب.

ارشاد رقیب رسانه و تولیدکننده نیست، تنظیم‌گر واقعی است. مثل تلویزیون تولید کننده نیست که بخواهد به رقیب مجوز بدهد. چطور ممکن است سریال‌سازی که با بودجه خودش سریال می‌سازد، برای دریافت مجوز به جایی مراجعه کند که خودش مجموعه سریال‌ساز است؛ یکی از شکست‌های حقوق انسانی همین است که تنظیم‌گری حقوق من را به رقیب واگذار کنید.

■ و این اتفاق باعث یکسان‌سازی تولیدات دو بخش متفاوت و کمرنگ شدن جذابیت‌های تولید و در نهایت ازدست رفتن مخاطب رسانه‌های داخلی می‌شود.

شبکه نمایش خانگی هرگز در تقابل با صداوسیما نبوده بلکه مکمل صداوسیماست. تلویزیون امکانات گسترده‌ای دارد و لازم نیست مهار رفیق و همراه خودش را در اختیار بگیرد و تنظیم‌گری کند، رسانه‌ای است که ۸۰ میلیون کاربر بالقوه دارد؛ در دسترس است و بدون نیاز به اینترنت امکان دریافت برنامه آن وجود دارد. رایگان است در حالی که تماشای فیلم در پلتفرم هزینه می‌خواهد. تلویزیون با چنین قابلیت‌هایی هر وقت کار باارزشی انجام داده مخاطب جذب کرده است. نمودار پلتفرم‌های فیلیمو و نماوا گویاست که در زمان پخش همین سریال‌های پرطرفدار مثل «پایتخت» و «نون خ» مخاطب تلویزیون را انتخاب کرده و به سمت تلویزیون رفته است و برنامه ذخیره شده در پلتفرم‌ها را ساعتی دیگر تماشا کرده است؛ در واقع تلویزیون با رسانه‌ای رقابت می‌کند که باعث سوزاندن فرصت او نمی‌شود. بیش از ۶۰ هزار نیرو در صداوسیما فعالیت می‌کنند که درصدی از آنها هنرمندان قابلی هم هستند؛ با چنین دارایی گسترده‌ای که دارایی ملت ایران است به دارایی دیگری که در حوزه ارشاد و شبکه نمایش خانگی شکل گرفته و هنرمندان برای بخش دیگری از مخاطب تولید فرهنگی می‌کند احترام بگذاریم. ما کنار هم و جاهایی در رقابت با هم تکمیل می‌شویم. من ۲۲ سال از بهترین روزهای عمرم را در تلویزیون گذراندم. خاستگاهم تلویزیون است و الان هم کارمند تلویزیون هستم. به خانه خودم وفادارم و برایم مهم است که تلویزیون هر روز قویتر باشد، اما این قویتر شدن را در اجبارهای فراقانونی و غیر قانونی برای کنترل‌های نظارتی نمی‌بینم. من این قدرت را در تلویزیون با تولیدات قوی مثل سریال «سلمان فارسی» و برنامه‌های «دورهمی»، «عصر جدید» و «نود» می‌خواهم؛ برایمان مهم است که رسانه‌ای مقتدر و توانا داشته باشیم. از آن سو برایمان مهم است که مجموعه نمایش خانگی مقتدر و توانا مبتنی بر سرمایه‌های بخش خصوصی وارد عرصه تولید شود و ساحت فرهنگ را از تک صدایی جدا کند. جامعه‌ای که از آن صداهای متعدد و البته با رنگ و بوی ملی و اسلامی شنیده می‌شود جامعه‌ای پیشرو است. این که همه صداها را متمرکز و به یک میکروفن و بلندگو محدود کنیم خدمت به فرهنگ نیست.

■ به اعتقاد شما در این ماجرا برنامه‌سازانی که قبل از تصویب شدن طرح ۲۶ نماینده برای دریافت مجوز به «ساترا» مراجعه می‌کنند چقدر در به رسمیت شناختن این رسانه به‌عنوان مرجع نظارت مؤثرهستند.

وقتی پلتفرم را مجبور می‌کنی که مجوزش را از ساترا بگیرد هنرمند ناچار است به آن سمت برود. این که به واسطه قدرت قوه محترم قضائیه و ضابطان محترم این قوه به پلتفرم‌های عرضه شبکه نمایش خانگی فشار بیاوریم و آنها را تهدید و مجبور کنیم که برای مجوزهایشان به صداوسیما و ساترا مراجعه کنند یا به تهیه‌کنندگان و هنرمندانمان الزام کنیم که به صداوسیما مراجعه کنند در واقع یک امر غیرقانونی را با زور قانون اجرا می‌کنیم.

■ در نهایت حرف ناگفته‌ای اگر باقی مانده.

باز هم تأکید می‌کنم که مراقب باشیم تصمیم غلط نگیریم. اولاً این تصمیم غیرقانونی است، ثانیاً این تصمیم غیرقانونی دارد به اجبار مجموعه‌های صاحب قدرت به هنرمند تحمیل می‌شود. جاهایی که باید حافظ رفتار قانونی باشند خودشان مجری رفتار غیرقانونی نشوند، اگرچه یقین دارم حتی اگر این طرح اجرایی شود عقلای قوم پی خواهند برد که نهایت این ره به ترکستان است اما نگرانیم چرا که هر وقت به موقع عمل نکردیم و جلوی تصمیمات غلط را نگرفتیم جامعه فرهنگی خسارات سنگینی داد. به همین دلیل امروز نمی‌توانیم دست روی دست بگذاریم و بگوییم روزی خواهند فهمید این تصمیم غلط بوده است. «سرچشمه شاید گرفتن به بیل، چوپر شد نشاید گرفتن به پیل.» این جنس از تصمیم‌گیری‌ها حوزه فرهنگ نظام مقدس جمهوری اسلامی را تحقیر و خفیف می‌کند. «بر سر شاخ و بن بریدن» به سقوط خود ما منجر می‌شود و همه را با خسارت مواجه می‌کند.

یادداشت

چرا صنوف سینما نظارت تلویزیون بر محصولات غیر تلویزیونی را برنمی‌تابند؟

سعیدرجبی‌فروتن
مدیر کل حوزه ریاست سازمان سینمایی

انتقال یا واگذاری بخشی از وظایف حاکمیتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (سازمان سینمایی) به صدا و سیما در زمینه نظارت بر محتوای آثار دیداری و شنیداری که در سامانه‌های آنلاین بارگذاری و منتشر می‌شوند، به جز مغایرت‌های قانونی مترتبه که در جای خود باید مورد بحث قرار گیرد، همان‌طور که قابل پیش‌بینی بود واکنش صنوف مؤلف خانه سینمای ایران یعنی کانون کارگردانان و انجمن فیلمنامه نویسان را در پی داشت که در جای خود تأمل برانگیز است. موضع‌گیری دست اندرکاران سینمای ایران در قبال توسعه قلمرو انحصاری صداوسیما البته به دو صنف یاد شده محدود نشد و قبل از آن تهیه کنندگان معتبری در این زمینه صحبت کردند و با دوراندیشی پیامدهای منفی چنین اقدامی را برشمردند.

اصرار صدا و سیما برای خیمه زدن در نمایش خانگی که اصولاً جایی برای تولید و عرضه محصولات غیرتلویزیونی است، در حالی صورت می‌گیرد که رسانه ملی طی شش ماه گذشته به جز نمایش محدود تیزر فیلم سینمایی «خروج» راضی به پخش تیزر هیچ‌یک از تولیدات سینمای ایران در اکران آنلاین آنها نشده است و همچنین در ۱۰ سالی که ۴۰ سریال در شبکه نمایش خانگی تولید شده است، ولو با دریافت هزینه، تن به اطلاع‌رسانی درباره آنها نداده همواره در صدد بزرگ‌نمایی نقطه ضعف بعضی از آنها بوده است.

به موجب اصل ۴۴ قانون اساسی مردمی‌سازی همه عرصه‌های اقتصادی و فرهنگی و مشارکت آحاد مردم در باروری و پویایی آنها ضمن آنکه ضامن حفظ امنیت کشور و کاهش فاصله حاکمیت با مردم است، بار سنگین بسیاری از هزینه‌ها را از دوش دولت‌ها برمی‌دارد تا اعتبارات صرف امور زیربنایی شود. در عرصه تولید محتوا می‌توان با حفظ حاکمیت انحصاری سازمان صدا و سیما در تولید برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، تولید سایر گونه‌های غیرتلویزیونی را بر دوش مردم نهاد و نظارت بر آن را همچون گذشته از دولت مطالبه کرد. آنچه که طی سال‌های اخیر در تولید سریال‌های غیرتلویزیونی و برنامه‌های ترکیبی و مسابقه‌ای با سرمایه صددرصد خصوصی و با نظارت دولت تهیه شده است ظرفیت‌های ارتقا یافته فرهنگی و رسانه‌ای نظام را در برابر تلویزیون‌های ماهواره‌ای به نمایش گذاشته است و تضعیف این حرکت رو به رشد، سبب خشنودی رسانه‌های بیگانه خواهد شد. همان‌طور که در بیانیه کانون کارگردانان سینمای ایران آمده است، توقف صدور پروانه ساخت سریال باعث تخریب روند تولیداتی می‌شود که توانسته‌اند صدها نفر از اهالی سینما را مشغول به کار کند. به این خاطر کانون کارگردانان سینمای ایران تصریح کرد که «ضمن تقبیح این رفتار هرگونه عملی را که مانع کسب و کار، محدود ساختن و توقف فعالیت سینماگران شده شدیداً محکوم می‌کند و خواستار ادامه روند تولید سریال‌های نمایش خانگی توسط سازمان سینمایی است.»

اگر به هر دلیل نظارت بر محتوای صوت و تصویر غیرفراگیر از دولت گرفته شود، این معنا را در پی ندارد که سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان محتوا به تلویزیون گرایش نشان خواهند داد زیرا سرمایه از آنجا که ماهیتاً از ریسک پرهیز می‌کند، به سمتی نخواهد رفت که با ضوابط و ملاحظات ضیق ممیزی، همواره امکان توقیف یک اثر یا اعمال حذفیات گسترده وجود دارد؛ از یاد نبریم که اصولاً امتداد ضوابط پخش تلویزیونی به محصولات غیرتلویزیونی دلیل اصلی انتقاد بسیاری از فیلمسازان و صنوف مؤلف نظیر فیلمنامه نویسان و کارگردانان از مداخلات و ادعاهای اخیر صدا و سیما برای نظارت بر محتوای پلتفرم‌های اینترنتی هستند.

انجمن فیلمنامه‌نویسان از همین رو در بیانیه خود پیش‌بینی کرده است «انتقال صدور مجوز از سازمان سینمایی به صداوسیما به انحصار مطلق در این حوزه و یکسان‌سازی تولیدات دو بخش متفاوت و کمرنگ شدن جذابیت‌های تولیدات بازار کار منجر شود».

در یک جمع‌بندی تولیدات تلویزیونی و غیرتلویزیونی با قبض و بسط ممیزی قابل انتظار می‌توانند طیف وسیعی از مخاطبان را با سلایق متفاوت جذب کنند و قرار دادن آنها زیر چتر واحد نظارتی واحد و متمرکز اشتباه مهلکی است که جز فرار سرمایه‌ها از نمایش خانگی و توقف تولید محتوا در این حوزه امنیت فرهنگی نظام را در رقابت با رسانه‌های غیرهمسو با چالش جدی روبه‌رو می‌کند و ظرفیت‌های فکری و ذوقی صنوف مؤلف سینمای ایران را در محاق نگه می‌دارد.

نمایش خانگی در معرض بی‌خانگی!

یادداشت

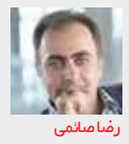

رضا صافی
منتقد سینما

شبکه نمایش خانگی مثل هر مدیومی واجد نقاط ضعف و قدرت است و منتقدان سینما بویژه در یکسال اخیر نقدهای جدی به سطح کیفی این آثار داشتند و بر ضرورت ارتقای کیفی آن تأکید کردند اما مدتی است که تلویزیون با تولید گزارش‌های متعدد در بخش‌های مختلف خبری با برجسته کردن مسائلی مثل فساد اخلاقی، ترویج بی‌بندوباری و عشق مثلثی به هجمه شدید علیه شبکه نمایش خانگی می‌پردازد که به نظر می‌رسد بیش از آنکه برآمده از دغدغه‌های فرهنگی و هنری باشد، زمینه‌سازی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی برای القای این نگاه است که متولیان این شبکه نمایشی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صلاحیت لازم برای مدیریت و نظارت بر این بخش را نداشته تا مقدمات لازم برای تفویض تولیت این بخش به صداوسیما فراهم شود. این در حالی است که سبد شبکه نمایش خانگی مثل هر نهاد تولید آثار نمایشی میوه‌های درهم دارد. هم آثار ضعیف و هم آثار متوسط و قوی در آن یافت می‌شود. نمونه‌اش سریال موفق «شهرزاد» به کارگردانی حسن فتحی است که حتی توانسته نظر مخالفان آثار نمایش خانگی را به خود تغییر دهد. سریال‌های «شاهگوش» داوود میرباقری، مجموعه طنز «قهوه تلخ» و سریال اخیر «همگناه» را هم می‌توان نمونه‌هایی دانست که در جلب رضایت مخاطب موفق بوده‌اند. اینکه بسیاری از این کارگردان‌ها حالا برای شبکه نمایش خانگی کار می‌کنند اتفاقاً از ضعف‌های مدیریتی خود تلویزیون است. تلویزیون بسیاری از کارگردان‌هایی را که سریال‌های پرمخاطب برای این رسانه تولید کرده بودند مثل حسن فتحی، رضا عطاران، پیمان قاسمخانی و... از خود گریزان کرده و همان تربیت‌شدگان سیمای امروز از این رسانه فرار کرده و به شبکه نمایش خانگی پناه آورده‌اند؛ همان‌هایی که سریال‌های طلایی برای تلویزیون ساختند یا به آن دعوت نمی‌شوند یا حاضر به همکاری مجدد با آن نیستند. حالا تلویزیونی که سال‌هاست به جز مجموعه «پایتخت» و چند نمونه معدود دیگر نتوانسته رضایت مخاطبان انبوه را جلب کند نمی‌تواند با غر زدن به رقیب و تخریب آن برای خود اعتباری کسب کند. این رسانه بهتر است به جای آسیب‌شناسی جهت‌دار شبکه رقیب به آسیب‌شناسی توانمندی‌های خود در عرصه نمایشی بپردازد و ببیند چه شد که سال‌هاست تلویزیون نتوانسته با سریال‌هایش خیابان‌ها را خلوت کند. شبکه نمایش خانگی نسبت به صداوسیما که محل همیشگی و سنتی نمایش سریال بود، از فضای بازتری برای پرداخت به سوژه‌های خاص برخوردار است. موضوعاتی که صداوسیما به دلیل بودجه یا برخی ملاحظات و خط قرمزها نمی‌تواند به آنها بپردازد در شبکه نمایش خانگی موردتوجه کارگردانان قرار می‌گیرد. البته اینکه سریال‌های نمایش خانگی مخاطب بیشتری از سریال‌های تلویزیونی پیدا کرده‌اند به شیوه یا نهاد نظارتی آن ربطی ندارد. یادمان باشد که روزگاری در تلویزیون سریال‌هایی مثل روزی روزگاری، زیر تیغ، امام علی(ع)، مختارنامه، سلطان و شبان، هزاردستان، میوه ممنوعه و مجموعه‌های طنزی مثل خانه به دوش و متهم گریخت با مخاطب انبوه مواجه شد. به نظر می‌رسد تلویزیون به جای اینکه دغدغه نظارت و مدیریت نمایش خانگی را داشته باشد باید به دوران طلایی سریال‌سازی خود بیندیشد؛ به تمهیدات و سیاستگذاری‌ها و حمایت‌ها و هدایت‌هایی که منجر به خلق سریال‌های ماندگار با مخاطبان بسیار شد.

بسیاری از کارگردان‌ها و تهیه‌کنندگان و بازیگرانی که در سریال‌های نمایش خانگی حضور دارند یا در تلویزیون سابقه‌ای ندارند یا از اینکه زیر نظارت آن بروند گریزانند و همین مسأله فرآیند تولید را با چالش‌هایش مواجه می‌کند که در نهایت بر کیفیت آثار هم تأثیر سوء دارد.

صدا وسیما با حمایت وپشتیبانی بیشتر از فیلمنامه‌نویسان و کارگردان‌ها و بازیگران می‌تواند تلویزیون را به کانون جذاب‌تری برای سریال‌سازی بدل کند و به جای تولیت سریال، بازار نمایش را به تسخیر خویش درآورد. بدیهی است مخاطب نیز ترجیح می‌دهد به جای هزینه کردن برای تماشای آثار نمایش خانگی به شکل رایگان پای تماشای سریال‌های تلویزیون بنشیند. واقعیت این است که رقابت تلویزیون و نمایش خانگی در سریال‌سازی اگر به چالش نظارتی و مدیریتی بکشد دودش در نهایت به چشم مخاطبی می‌رود که کالای فرهنگی مرغوب و مطلوب را مطالبه می‌کند نه مناقشه‌های نهادهای فرهنگی و رسانه‌ای را. چه سریال تلویزیونی و چه نمایش خانگی بیش از هر چیز نیاز به شکلی از کیفیت دارد نه شیوه نظارت!